

ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها

مورد: بخش دهدز در شهرستان ایذه

حجت‌اله صادقی*؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایذه، ایران.
اسکندر صیدائی؛ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
شادی قبادی؛ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مریم صالحی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی کارآفرینی فضای روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

پذیرش نهایی: 1394/10/2

دریافت مقاله: 1394/1/30

چکیده

امروزه روستاها بخش مهمی از توسعه یک کشور را بر عهده دارند که بایستی همانند نقاط شهری به آن‌ها توجه و نگاه خاص شود. این توجه خاص مرهون عملکرد مناسب نهادها و سازمان‌های مرتبط با نواحی روستایی در راستای توسعه آنها است که نتیجه آن به برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای - ملی منجر خواهد شد. از این رو، هدف این پژوهش بررسی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط در پایداری روستاها در راستای توسعه منطقه‌ای به صورت مطالعه موردی در بخش دهدز شهرستان ایذه می‌باشد. روش تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری تحقیق را از نظر مکانی روستاهای بخش دهدز شهرستان ایذه و از نظر جمعیتی، افراد ساکن در این روستاها تشکیل می‌دهند. مجموع افراد این روستاها، 13161 نفر بوده که با توجه به حجم جامعه آماری و عدم دسترسی به تمامی آنها، بر اساس فرمول کوکران نمونه آماری مناسب به تعداد 315 نفر انتخاب و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه در سطح روستاها و افراد جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی - فیزیکی در پایداری روستاها با سطح معناداری کمتر از 0/005 مناسب و در سطح متوسطی می‌باشد. تحلیل ناپارامتری همبستگی نیز نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم و معنی‌داری در سطح آلفای 0/01 میان شاخص اقتصادی با شاخص‌های موردبررسی است؛ به گونه‌ای که با بهبود عملکرد نهادها و سازمان‌ها در هر کدام از شاخص‌های توسعه، دیگر شاخص‌ها بهبود و زمینه پایداری روستاها فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: عملکرد، نهادها و سازمان‌ها، پایداری، روستا، توسعه منطقه‌ای، شهرستان ایذه.

1) مقدمه

به طور اعم دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی، از آرمان‌هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول نموده است و توسعه زمانی تحقق می‌یابد که از تمامی عوامل، امکانات و منابع تولید استفاده بهینه به عمل آید (قادرمرزی، 1394: 110). از سوی دیگر به طور اخص، توسعه روستایی فرآیندی جامع و چندبعدی است و زمانی تحقق می‌یابد که به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، نهادی و کالبدی - محیطی آن توجه لازم صورت پذیرد؛ امری که در نظام برنامه‌ریزی کشور توجه چندانی به آن نشده است (عزیزپور و محسن زاده، 1388: 4). حاکمیت نگاه بخشی در فرآیند برنامه‌ریزی کشور و فقدان دید کل‌نگر سبب شده تا هر بخش به صورت مجزا مورد توجه قرار گیرد. عدم تعادل و افزایش شکاف بین روستاها و شهرها، ضعف دسترسی سکونتگاه‌های روستایی به خدمات زیربنایی، رفاهی، مسائل اشتغال‌زایی و فرهنگی از جمله چالش‌هایی است که سکونتگاه‌های روستایی با آن مواجه است. به منظور برقراری عدالت و همچنین حصول توسعه انسانی، شناخت چالش‌ها و موانع برای ارائه راهکارهای مناسب، ضرورتی اساسی و بنیادی است (Bohansen, 2006: 42) که معمولاً دولت‌ها وظیفه ایجاد زمینه‌های عدالت اقتصادی-اجتماعی و توسعه انسانی را بر عهده دارد (Hansen, 2002: 7). از این رو، سکونتگاه‌های روستایی تحت عنوان نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای معینی است (Young, 2007: 48) که نیازمند توجه به آن در تمامی ابعاد کالبدی-فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است.

نواحی روستایی به عنوان ارگانیک در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بی شماری بوده است (افراخته و حجتی‌پور، 1392: 1). از این رو، برخی از برنامه‌ریزی‌ها در راستای سکونتگاه‌های روستایی به پیش‌بینی و شناخت اولیه مسائل بستگی دارد (Lewis, 2003: 38) که این شناخت و پیش‌بینی نیاز به مدیریت صحیح در قالب نهادها و سازمان‌های مختلف دارد. در زمینه‌ی مدیریت روستایی آنچه مهم است، اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است. از این رو، مدیریت روستایی از ارکان جدانشدنی توسعه روستایی است (بدری، 1390: 147)؛ از سوی دیگر، مناطق باید سبک توسعه خاص خود را پایه‌ریزی و سیستم‌های جدید مدیریتی، نباید یک روش یکپارچه را در مجموعه روستاها ارائه دهد (Kerr, 2001: 202)؛ در این مرحله است که جایگاه نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه ساختاری-کارکردی روستاها مشخص می‌گردد. این نهادها و سازمان‌ها هرکدام وظایف خاصی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بر عهده دارد که وظایف برخی از این نهادها و سازمان‌ها به صورت تلفیقی از ابعاد و یا به صورت تک‌بعدی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و توسعه روستایی اقدام می‌کنند. هماهنگ‌سازی این ابعاد یک نتیجه واقعی و حقیقی را نشان می‌دهد که تحت عنوان توسعه پایدار شناخته می‌شود. نکته مهم دیگر اینکه، محقق شدن روند ابعاد توسعه پایدار روستایی منجر به توسعه منطقه‌ای و ملی خواهد شد؛ چرا که امروزه نظام فضایی تعیین‌کننده توسعه

منطقه‌ای و ملی است و این نظام متشکل از شهرها و نقاط روستایی است که با توسعه نقاط روستایی، دیگر سکونتگاه‌های انسانی نیز می‌تواند روند رو به رشد و پایداری داشته باشد

بنابراین جهت پایداری روستاها در راستای توسعه منطقه‌ای، عملکرد نهادها و سازمان‌های مطابق با وظایف و شاخص‌های مختلف توسعه پایدار، بسیار مهم و دارای اهمیت است؛ چراکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با برنامه‌ریزی و هدایت جامعه روستایی از نظر ساختاری-کارکردی می‌توانند سبب توسعه و پایداری آن شود یا اینکه با عملکرد نادرست ناشی از عدم شناخت و برنامه‌ریزی مناسب، روند توسعه را کند و یا به کلی متوقف نماید؛ به عبارت دیگر، اهمیت مسئله از آنجا آشکار است که روستاها به‌عنوان بخشی از جامعه کشور با مشکلات بسیاری روبه‌رو است و از سوی دیگر بسیاری از مشکلات شهری نیز در نتیجه عدم برنامه‌ریزی مناسب در راستای پایداری سکونتگاه‌های روستایی است. آنچه در این زمینه بسیار مهم جلوه می‌کند، ابعاد مدیریتی نهادها و سازمان‌های مربوط به توسعه روستاها است که هرچند نسبت به دوره‌های قبل تغییرات بسیاری به وجود آمده، ولی این تغییرات به پایداری محیط‌های روستایی منجر نشده است. در این میان عملکرد ساختاری-کارکردی نهادها و سازمان‌های مرتبط با وضعیت کنونی روستاها بسیار تعیین‌کننده بوده است؛ بنابراین با توجه به جایگاه روستاها که توسعه آن به توسعه منطقه‌ای و ملی کمک خواهد کرد، ضرورت و اهمیت بررسی عملکرد نهادها و سازمان‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی روستاها مشخص می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی و ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها به منظور کمک به توسعه منطقه‌ای در بخش دهدز شهرستان ایذه بوده است.

2) مبانی نظری

گودین¹ (2000) به این نتیجه رسیده است که حکمروایی محلی ابزار قدرت و موضوع تولید اجتماعی است و پایداری در این موضوع زمانی نهادینه می‌شود که صاحبان قدرت در جامعه روستایی مشروعیت لازم را داشته باشند. گرونینگر² و همکاران (2013) در مقاله‌ای تحت عنوان «پایداری سازی روستاهای افغانستان تحت محدود مرکزی تأثیر دولت» نتیجه گرفته است که زمین و آب، ناامنی، دسترسی، گرفتن زمین و ناپایداری، درگیری، بی‌زمینی روستایی، مشکلات زیست‌محیطی و وضعیت اموال مشترک از عوامل مهم در پایداری‌سازی روستاها است. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (1386)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار» به تعاریف مختلف توسعه و مدیریت روستایی پرداخته و سپس مدیریت روستایی را از ابعاد مختلف توسعه پایدار از جمله بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد بحث قرار داده است و در نهایت به بررسی بازیگران اصلی مؤثر در عرصه مدیریت روستایی پرداخته و نقش و جایگاه هر یک را به خوبی تبیین کرده است. طالب و بخشی‌زاده (1388) در کتابی تحت عنوان «سازمان‌های متولی توسعه روستایی در ایران» به تاریخچه‌ی سازمان‌های

¹ Goodwin

² Groninger

متولی روستا در ایران پرداخته است. همچنین تحلیلی از وظایف و اختیارات این سازمان‌ها به دست داده و بر اساس آن راهکارهایی برای مدیریت توسعه‌ی روستایی در ایران پیش کشیده است. جوان و همکاران (1390) در مقاله‌ای با عنوان «پایدارسازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد با تأکید بر رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی» به تبیین دلایل پایداری و ناپایداری جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد، با استفاده از رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که وجود «تنوع در فعالیت‌های اقتصادی» سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد بر «پایداری جمعیتی» اثر مثبتی دارد که عمدتاً ناشی از وجود تنوع در فعالیت‌های اقتصادی بخش غیرکشاورزی است. بوزرجمهری و جوانی (1390) در تحقیقی با عنوان «عملکرد تشکل‌های غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعه پایدار روستاهای شهرستان تربت حیدریه» پرداخته‌اند. نتیجه‌ی به دست آمده این بوده است که بزرگ‌ترین مشکل پیش روی باشگاه کشاورزان جوان، کمبود بودجه و بی‌اعتمادی مردم به این نهاد و کم شدن انگیزه جوانان بوده است. علی‌الحسابی (1390) در پژوهشی با عنوان «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی» به این نتیجه رسیده است که استفاده از شیوه مشارکتی در اداره امور و برنامه‌ریزی برای آن ضروری و گریزناپذیر است. همچنین مشارکت مردم در امور توسعه و عمران روستا، اثرات مثبتی در روند پیشرفت آن داشته است. یاسوری (1390) در تحقیقی با عنوان «نقش سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی زنان و جوانان روستایی مورد مطالعه» دریافته است که پیگیری برنامه‌های آموزشی، ایجاد مراکز فعالیت از جمله بسته‌بندی محصولات باغی، ایجاد گروه‌های تخصصی در زمینه‌های اشتغال‌زایی، فرهنگی و ورزشی منجر به ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌هایی در بین زنان گردیده است.

تفاوت این تحقیق با تحقیقات قبلی در این است که این تحقیق به صورت مستقیم در چارچوب ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی که هرکدام در حوزه تخصصی یک یا چند ارگان یا نهاد چه به صورت جداگانه و چه تلفیقی قرار می‌گیرد، تأکید نموده است. از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند جزء اولین تحقیقاتی باشد که با جنبه تلفیقی وظایف، عملکرد سازمان‌ها و نهادهای روستایی را بررسی نموده است؛ در صورتی که تحقیقات ذکر شده یا به‌طور غیرمستقیم بر روی موضوع تأکید نموده‌اند یا یک جنبه خاص، آن هم عملکرد نهادهای مشارکتی محلی یا غیردولتی را تأکید نموده‌اند. همچنین از آنجا که هر یک از نهادها و سازمان‌ها، بخشی از روند توسعه روستایی را بر عهده دارد، تلفیق این وظایف در قالب یک تحقیق خود می‌تواند به طور کلی بسیاری از مسائل و وضعیت توسعه کنونی را روشن نماید. از این رو، تحقیق حاضر شاخص‌های توسعه و پایداری روستاها را در چارچوب وظایف نهادها و سازمان‌هایی مانند بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی مورد توجه قرار می‌دهد که به‌گونه‌ای با تحقیقات قبلی متفاوت است.

هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع انسانی است، از این رو، در فرآیند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و

نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. آنچه مسلم است این ضرورت در همه جا به طور همسان مطرح نمی‌شود و امکانات و منابع نیز در همه جا یکسان نیست (سعیدی، 1377: 15). توسعه در هر مکانی نیاز به ایجاد ساختارها و شبکه‌های منظم و متقابل دارد. به گونه‌ای که نوع ارتباط اجزا در مکان، پایداری آن را حفظ می‌نماید. محیط روستایی نیز که به عنوان سیستم تلقی می‌شود، از این قاعده، مستثنی نیست. بر این اساس، اگر توسعه روستایی را همانند نظر ماهاتما گاندی، تبدیل روستا به مکان قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسان (سعیدی، 1385: 156) فرض نمود، باید به تمامی ساختارهای موجود در محیط روستایی اعم از انسانی و طبیعی توجه نمود تا بتوان مکان متناسب با شخصیت انسان روستایی را ایجاد و بهبود بخشید.

از جنبه‌های مهم در زمینه توسعه روستایی، توجه به مدیریت روستایی در قالب نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی است. بررسی مدیریت و توسعه روستایی در ایران نشان می‌دهد که تحولات زیادی در این زمینه رخ داده و مدیریت روستایی همواره، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است (ملکان، 1390: 7). در زمینه مدیریت و توسعه روستایی آنچه مهم است اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است (بدری، 1390: 147). مناطق باید سبک توسعه خاص خود را پایه‌ریزی کنند و سیستم‌های جدید مدیریتی، نباید یک روش یکپارچه را در مجموعه روستاها ارائه دهند (Kerr, 2001: 202)؛ بنابراین، امروزه سیستم مدیریت روستایی نیز باید بر پایه شرایط مناطق و با مشارکت نهادهای مختلف با حمایت‌های بخش‌های خصوصی و دولتی انجام گیرد. در واقع توسعه و پیشرفت، متکی به حضور و مشارکت قانونمند همه مردم در کنار سازمان‌ها در برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عمرانی کشور است.

در سطح جهانی، دهه‌های 1980 و 1990 دوره تغییر برای سازمان‌ها در کلیه بخش‌ها بوده است. با توجه به تغییر سیاست‌های توسعه در کشورهای غربی و جهان سوم نظام‌های مدیریتی جدیدی سازماندهی شده است. تعدیل ساختاری در کشورهای جهان سوم و سیاست‌های جدید در غرب نقش دولت را کاهش داده‌اند که در نتیجه وظایف به بخش خصوصی محول گردیده و بیشتر بر سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی تکیه شده است. این تغییرات با طرح پرسش‌هایی درباره شیوه‌های گوناگون سازماندهی توأم گردیده است. مدل غربی دیوان‌سالاری دارای کمبودهایی دانسته شده است. بسیاری از سازمان‌های بخش دولتی و سپس شرکت‌های زیادی در بخش خصوصی به افزایش فرصت‌ها برای طبقات محروم مردم از خود علاقه نشان داده‌اند. در جستجوی شیوه‌های جدید برای اداره سازمان‌ها مفهوم فرهنگ (نگرش‌ها و ارزش‌های غیررسمی) مورد تأکید قرار گرفته است (بنار، 1385: 20-21).

این رویکرد جدید تحت عنوان «مدیریت دولتی نوین» برای این طراحی شده است تا جایگزین نظام بروکراتیک که زمانی در نوع خود بهترین نظام و الگو در تئوری و عمل بود، بتواند با شکستن الزاماتی چون تمرکز قدرت، رعایت سلسله‌مراتب اداری و مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر حوزه فکری جدیدی را در شیوه مدیریت ایجاد کند. اهداف دیگری که در این حوزه فکری مطرح بود، کاهش بار مسئولیت دولت و

پرداختن به اعمال حاکمیت، تدوین خط‌مشی و سیاست‌گذاری به‌جای انجام کارها و خدمات عمومی و همه اینها به خاطر کاستن از بار هزینه دولت و خلاصه ایجاد یک دگرگونی در بخش دولتی و ارتباط آن با جامعه و دولت بود. دلایل این رویکرد و حوزه فکری جدید را نخست عدم کارایی الگوی سنتی و روبرو شدن دولت‌های غربی با کاهش درآمدهای مالیاتی و محدودیت منابع، اراده سیاسی دولت‌ها و رشد بیش از اندازه دولت از یک طرف و لزوم ارائه خدمات عمومی به مردم از طرف دیگر تشکیل می‌دهد. اصلاح نظام اداری ابتدا از دهه 1980 و از کشورهای آمریکا و انگلستان و سپس در استرالیا و آلمان شروع شده است و سپس به دیگر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه سرایت کرده است؛ اکنون بیشتر کشورها در حال گذار از مرحله بروکراسی سنتی و تغییر و دگرگونی در ساختار نظام اداری خود هستند (بنار، 1384: 33-30).

اگر توسعه روستایی را به عنوان فرآیندی تعریف نمائیم که منجر به افزایش ظرفیت روستائیان جهت کنترل محیط زیست خود، همراه با توزیع گسترده منافع حاصل از چنین کنترلی می‌گردد؛ هدف سازمان‌های توسعه روستایی، کمک به مردم جهت نیل به زندگی بهتر است. اثربخشی سازمان‌های توسعه روستایی در ارتقای توسعه روستایی را فقط می‌توان بر حسب میزانی مشخص نمود که از منافع روستائیان با در نظر گرفتن موارد ذیل حمایت نموده‌اند: عمل کردن به عنوان ابزاری برای مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری محلی، توسعه ارتباطات دو سوبه بین مردم و رهبران آن‌ها، تسهیل‌سازی در تأمین خدمات، بسیج منابع محلی، بیان نمودن و بررسی تقاضاها و نیازهای محلی، ایجاد آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی، توسعه قابلیت‌های رهبری محلی و اثرگذاری تغییرات در ساختار اجتماعی و یا در سیاست‌های ملی. توجه فزاینده و معطوف شده به توسعه روستایی توسط دولت‌های ملی در مناطق مختلف منجر به تدوین توسعه یکپارچه روستایی به‌عنوان یک مفهوم کلیدی شده است، در این چارچوب تأکید بیشتری بر نقش بالقوه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه روستایی است، به ویژه به مثابه حمایت‌های بنیادی در ارائه خدمات و نوآوری‌های تکنولوژیکی که توسط دولت‌ها برای مناطق روستایی فراهم شده است؛ بنابراین، اهمیت و نقش سازمان‌ها در سرعت بخشیدن به توسعه جوامع محلی از اهمیت زیادی برخوردار است (Stanfield, 1978: 19).

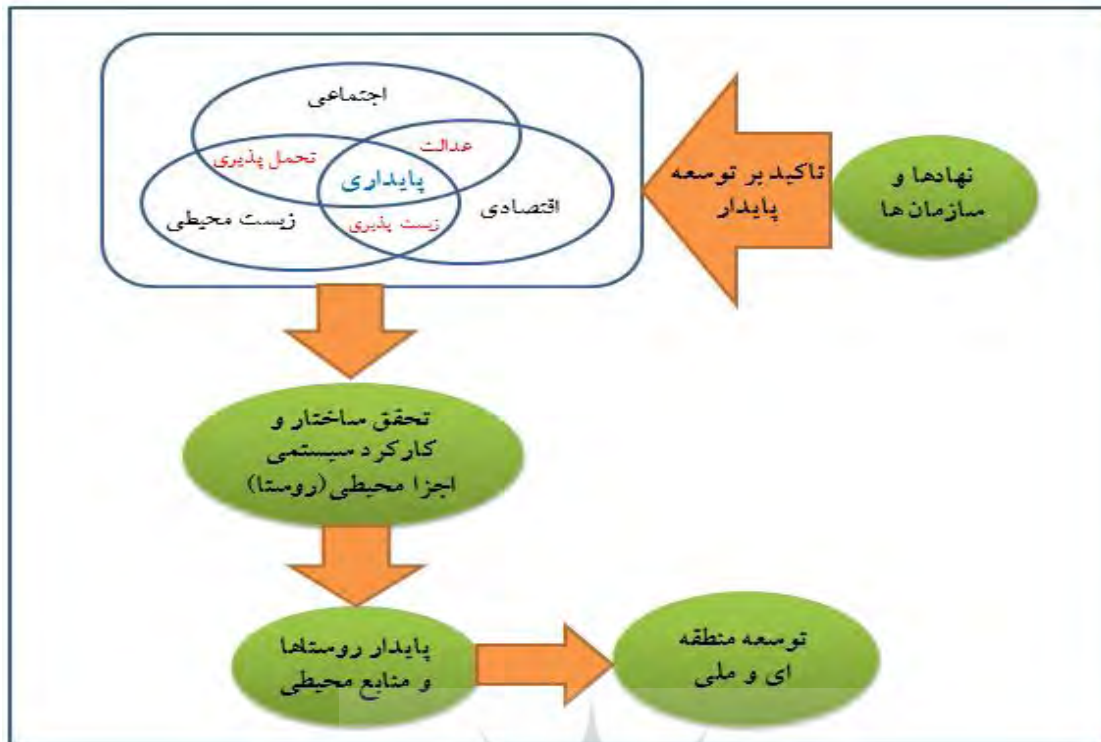
با شکل‌گیری دولت مدرن در جوامع غربی از قرن شانزدهم میلادی، همواره رابطه بین دولت‌ها و مردم دغدغه‌ی بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان توسعه بوده است و این مباحث منجر به طرح نظریات متنوع در خصوص رابطه دولت با ملت و دایره اختیارات و مداخله حکومت در امور شهروندان شده است. بعضی‌ها پیش‌نیاز توسعه در کشورها را داشتن قدرت دولت و بعضی تفویض قدرت، تعادل قدرت و تعامل دولت و مردم می‌دانند. با این وجود، عموم کشورهای جهان بحث قدرت واقعی حکومت‌ها را در توانمندی و اقتدار ملت‌ها می‌دانند و حکومتی اقتدار دارد که مردم آن مشارکت و توانمندی بیشتری داشته باشند. در این راستا، جوامع مختلف برای ایجاد عدم تمرکز قدم برداشته‌اند و برای پروسه‌ی عدم تمرکز سیاسی و اداری خود از رویکردها و شیوه‌های مختلفی استفاده نموده‌اند؛ البته، بعضی از کشورها به اسم پروسه‌ی

عدم تمرکز، عیناً تمرکز را هدف قرار داده‌اند و بحث عدم تمرکز و مشارکت مردم، به عنوان وسیله و ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها و دستورات دولت است و صرفاً مشارکت در این جوامع جنبه صوری و نمایشی داشته است. برعکس، در بعضی از کشورها پروسه‌ی توانمندی، عدم تمرکز و مشارکت جنبه صوری و نمایشی نداشته و این دولت‌ها با پی‌بردن به ارزش واقعی مشارکت، زمینه‌های مناسب برای شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای مردمی و غیردولتی را، از جمله تعاونی‌ها و سازمان‌های مردم نهاد تسهیل نموده‌اند. با بررسی دقیق‌تر در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه‌یافته، به‌خوبی می‌توان رابطه‌ی گسترش جامعه مدنی را با گسترش سازمان‌های با نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و غیردولتی و تعاونی‌ها و گسترش مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور جامعه تحت سازمان یافتن این مشارکت‌ها را در قالب تعاونی‌های غیردولتی، توجه نمود. در این راستا سازمان‌های توسعه روستایی نیز دستخوش تغییر و تحول زیادی گردیده‌اند.

برای نمونه در کشورهای مختلف در حال توسعه، نهادها نقش مهمی در تغییر ساختار سنتی و اشاعه توسعه پایدار ایفا کرده‌اند. در کامبوج که به اقتصاد متکی بر کشاورزی و نوع کشاورزی خانواری و معیشتی، نهادها برای حمایت و تسهیل حضور کشاورزان در زمینه توسعه و گسترش تکنولوژی پایدار اقدام به ایجاد تشکل‌های مناسب نموده‌اند و مسائلی از جمله حمایت از کشاورزان کوچک، حمایت سیاسی-نهادی و دستیابی قانونی کشاورزان خرده‌پا به اراضی قابل‌کشت. نمونه دیگر در کشور ویتنام، نهادهای محلی در قالب انجمن‌های کشاورزان در تغییر ساختار کشاورزی برای افزایش تولید و درآمد روستاییان، حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی و ارتقاء استانداردهای زندگی مردم مشارکت فعال دارند (بوذرجمهری و جوانی، 1393: 3). در تایوان انواع نهادها در بخش‌های کشاورزی و عمرانی فعالیت دارند که نقش‌های مختلفی مانند پشتیبانی منابع ارائه خدمات ترویجی، اطلاع‌رسانی، ارزشیابی و بازخورد، توسعه ارتباطات و توسعه زیرساخت‌های کالبدی را در طول برنامه‌های عمران روستایی ایفا می‌کنند. در پاکستان، تشکل‌های غیردولتی در کنار نهادهای دولتی برخی از طرح‌های توسعه روستایی را بر عهده گرفته‌اند و با توجه به نتایج بانک جهانی، عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته‌اند و بر همین اساس دولت برای اثربخشی و مشارکت نهادهای غیردولتی، برنامه‌ریزی خاصی را در زمینه توسعه روستایی تدارک دیده است (میرداماد، 1388: 6). موسسه توسعه روستایی مالزی یکی از عمده‌ترین مراکز برنامه‌ریزی توسعه روستایی مالزی است؛ این موسسه وابسته به وزارت توسعه روستایی است که در سطح سیاست‌گذاری عمل می‌کند؛ از جمله فعالیت‌های این مؤسسه شامل برنامه‌ریزی در جهت کنترل فقر روستایی، آموزش مربیان، آموزش‌گران و مروجین روستایی، حمایت از کودکان و محرومین روستایی، تحقیقات و پژوهش ویژه مناطق روستایی، برنامه حمایتی انتخاب رهبران روستا برای آموزش فعالیت‌های اقتصادی به روستائیان، تدوین سرفصل‌های آموزشی مدیریت روستایی و سیاست‌گذاری در سطح ملی برای کاهش فقر روستایی است؛ به عبارت دیگر، این مؤسسه مجری برنامه‌های مختلف در زمینه توسعه یکپارچه مناطق روستایی گردید (مهندسین مشاور رویان، 1390: 48-46).

بنابراین سازمان‌ها و نهادها هرکدام متناسب با وظایف خود در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نوعی مدیریت را بر عهده دارند که در محیط روستا به روند شکل‌گیری بهتر مدیریت منابع و محیط روستایی کمک می‌کند. در واقع، عملکرد نهادها و سازمان‌ها در چارچوب تعریف‌شده به روند توسعه پایدار و توسعه مناطق کمک می‌کند (علینی، 1379: 45-46)؛ چراکه توسعه مناطق نیز جدا از توسعه روستایی نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر، توسعه روستایی منجر به توسعه مناطق خواهد شد. از این رو، عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در زمینه روستاها به‌عنوان یکی از مسائل مهم همواره مدنظر بوده است؛ به‌گونه‌ای که بررسی عملکرد آن‌ها از تأسیس تاکنون به‌صورت جداگانه یا ترکیبی می‌تواند وضعیت آن‌ها را نشان دهد و در واقع قوت‌ها و ضعف‌ها را بازگو کند.

با توجه به مطالب بیان‌شده و اهمیت پایداری و عملکرد ارگان‌ها، در سطح منطقه‌ای و ملی، بایستی شاخص‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. این شاخص‌ها هستند که در واقع روند توسعه را مشخص می‌کنند. آنچه در زمینه‌ی توسعه این شاخص‌های اهمیت می‌یابد، بحث مدیریت سازمانی و نهادی مرتبط با پایداری روستاها است؛ توضیح اینکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با عملکرد صحیح یا نادرست خود، زمینه را برای تحقق شاخص‌های توسعه و از جمله توسعه پایدار فراهم می‌کنند. در صورتی که در یک منطقه، عملکرد سازمان و نهادها مناسب بوده باشد، مسلماً پدیده‌هایی مانند مهاجرت، مسائل زیست‌محیطی، کاهش منابع آب و خاک، عدم دسترسی به خدمات، افزایش فقر و نابرابری بروز نخواهد کرد و این به معنای این است که در ارتقاء شاخص‌های توسعه، وضعیت مناسبی حکم فرم است. از این رو، بایستی بیان نمود که پایداری مکان‌های روستایی با لحاظ کردن اهمیت نظام فضایی سکونتگاه‌های انسانی، به عملکرد درست سازمان‌ها و نهادها و همچنین مشارکت مردم بستگی دارد؛ چراکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با دخالت‌های بهنجار یا ناهنجار خود می‌توانند فرآیند پایداری روستاها و توسعه منطقه‌ای را تحقق بخشد.



شکل شماره (1): مدل مفهومی تحقیق

3 روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و مطالعات میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. مطالعات میدانی مبتنی بر ابزار پرسش‌نامه بوده است. از کل روستاهای دارای سکنه منطقه که بالغ بر 101 روستا بوده است، تعداد 30 آبادی (25 درصد کل سکونتگاه‌ها) به صورت تصادفی به عنوان نمونه برای پرسش‌گری انتخاب شده است. از بین ساکنین روستایی بر اساس فرمول کوکران نمونه آماری به تعداد 315 خانوار انتخاب و پرسش‌گری شده است. توزیع جمعیت نمونه در 30 روستا با روش نسبت متناسب با جمعیت انجام شده است. در نهایت داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و AMOS مورد تجزیه و تحلیل و استنتاج قرار گرفته است. در بخش آمار استنباطی از آزمون t یک نمونه‌ای و تحلیل همبستگی استفاده شده است.

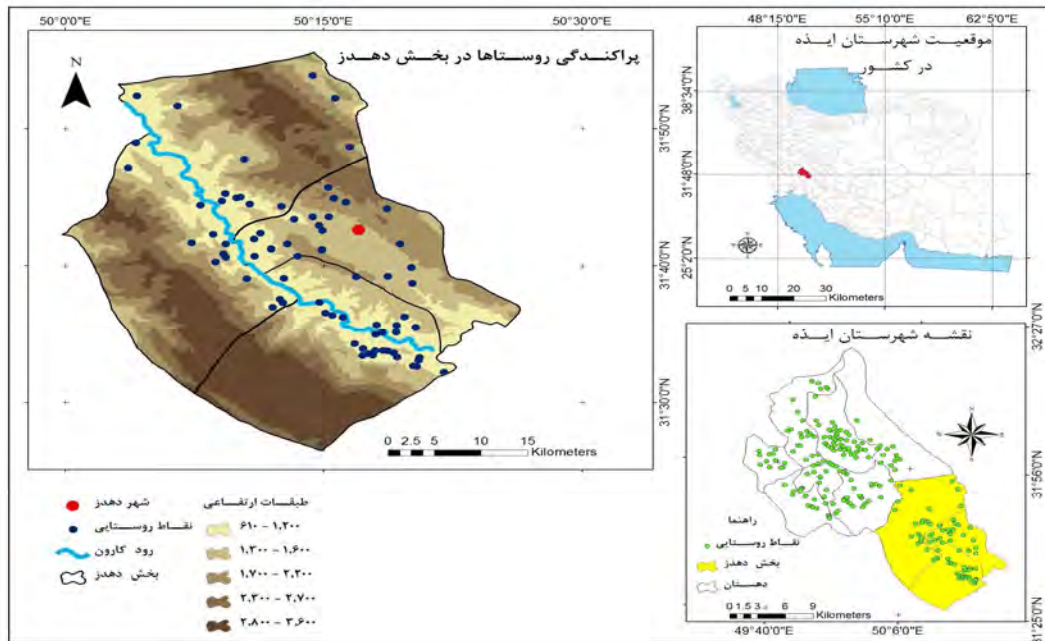
شاخص‌ها بر اساس ابعاد توسعه تعریف شده است و سپس در چارچوب وظایف نهادها و سازمان‌های مختلف در زمینه ابعاد توسعه، متغیرهای تحقیق جمع‌آوری و تدوین گردید. این متغیرها با نهادها و سازمان‌های سازمان شهرداری و دهیاری‌های کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، نهادهای بهداشتی و آموزشی، نهادهای فرهنگی، ارگان‌های خدماتی مانند شرکت برق، آب و گاز، راه و شهرسازی، پست و مخابرات و محیط‌زیست مرتبط بوده است. همه این نهادها و سازمان‌ها به‌گونه‌ای با روستاها مرتبط هستند و در روند توسعه پایدار روستایی تأثیرگذار هستند. این تأثیرات در چارچوب وظایف آن‌ها مشخص و قابل ارزیابی است. از این رو، متغیرهای ارائه‌شده در چارچوب وظایف نهادها و

سازمان‌های ذکرشده به صورت کلی و تلفیقی در این تحقیق، عملکرد آن‌ها را بررسی و وضعیت توسعه را مشخص می‌کنند.

جدول شماره (1): معرفی شاخص و متغیرها

شاخص	متغیر
شاخص اقتصادی	ارائه بسته‌های حمایتی اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی؛ مبارزه با فقر؛ افزایش کارآیی افراد روستایی؛ ایجاد روحیه کارآفرینی و نوآوری شغلی؛ افزایش درآمد و توزیع عادلانه آن؛ توجه به ابعاد مختلف اشتغال‌زایی (گردشگری، صنایع دستی و...) و تنوع‌سازی؛ ایجاد و حمایت از کارگاه‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی مطابق با محیط روستاها؛ ایجاد روحیه خودکفایی در تولیدات؛ توجه به تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد؛ وضعیت تسهیلات بانکی به روستاییان جهت فعالیت‌های اقتصادی؛ کمک در حفظ کشاورزی و دامداری (حمایت، راهنمایی و...)؛ حفظ فعالیت‌های صنایع روستایی و بهبود آن‌ها؛ ترغیب بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی به فعالیت تولیدی در روستاها و سرمایه‌گذاری.
شاخص اجتماعی-فرهنگی	وضعیت بهداشتی-درمانی؛ وضعیت آموزشی و تحصیلات؛ توانمندسازی روستاییان؛ تقویت مشارکت؛ ارتقاء جایگاه زنان؛ اهمیت دادن به جایگاه مدیران محلی روستا؛ تقویت حس مذهبی و دینی؛ تقویت آداب‌ورسوم محلی؛ سلامت روانی و جسمی مردم روستایی؛ احداث مراکز فرهنگی (مسجد و کتابخانه)؛ ارتقاء جایگاه دانش بومی روستایی و ترکیب آن با دانش نو؛ ارتقاء سبک زندگی؛ توسعه شبکه‌های برق، گاز، تلفن؛ تثبیت جمعیت؛ فرهنگ‌سازی در راستای تعادل جمعیت خانوار؛ توسعه خدمات فناوری.
شاخص زیست‌محیطی	وضعیت بهداشتی محیط‌های عمومی؛ جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب؛ وضعیت مدیریت پسماندها؛ فضاهای سبز؛ مدیریت مخاطرات محیطی؛ مدیریت مصارف مواد شیمیایی در زمینه‌های مختلف (کشت و زرع، دامداری و...)؛ مدیریت و حفاظت آب‌و خاک از نظر بهره‌وری و بهداشتی؛ حفاظت از تنوع زیستی، منابع طبیعی و مراتع روستایی؛ کمک در راستای مقابله با خشک‌سالی و تأثیرات زیست‌محیطی آن؛ کاهش فشارهای زیست‌محیطی؛ استفاده از انرژی‌های پایدار و نو و سوخت‌های مناسب.
شاخص کالبدی-فیزیکی	مطابقت طرح‌ها اجرایی با محیط روستایی؛ ضوابط ساخت‌وساز (مسکن)؛ بهبود معابر، جدول‌کشی؛ مدیریت کاربری اراضی؛ نحوه تعامل ارگان‌ها در ارتباط با اراضی روستایی؛ وضعیت دسترسی و راه‌های ارتباطی؛ مصالح ساختمانی و معماری؛ حمایت‌های مالی در زمینه‌ی ترمیم یا ساخت مسکن؛ وضعیت شبکه‌های زیرساختی؛ توجه به ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و...

محدوده مورد مطالعه بخش دهدز شهرستان ایذه در شمال شرقی استان خوزستان، در عرض 31 درجه و 20 دقیقه تا 31 درجه و 50 دقیقه پهنای شمالی و 49 درجه و 25 دقیقه تا 50 درجه و 20 دقیقه درازای خاوری نسبت به گرینویچ واقع شده است. از شرق و شمال شرق به شهرستان‌های فارس و کوهرنگ و از شمال و غرب به شهرستان مسجدسلیمان، از جنوب و جنوب غرب به استان کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان باغ‌ملک منتهی می‌شود. مرکز این بخش در دامنه کوه‌های زاگرس با ارتفاع 1641 متری از سطح دریا و در 156 کیلومتری از مرکز استان خوزستان قرار دارد. میزان باران سالانه بخش دهدز به‌طور متوسط 656 میلی‌متر و متوسط درجه حرارت نیز 24 درجه سانتی‌گراد است. بخش دهدز شامل سه دهستان مرکزی، دنباله رود شمالی و دنباله رود جنوبی است (میکانیکی و صادقی، 1391: 54). بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال 1390، دارای جمعیتی معادل 23745 نفر بوده است که از این تعداد 3567 نفر در نقطه شهری دهدز و 20034 نفر در نقاط روستایی سکونت دارند (مرکز آمار ایران، 1390).



شکل شماره (2): نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

4 یافته‌های تحقیق

بررسی خصوصیات فردی افراد مورد مطالعه از نظر سن، جنس و میزان تحصیلات در میزان دقت پاسخ‌ها، نتایج و قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج مؤثر است؛ چراکه به‌عنوان نمونه هر چه سطح تحصیلات افراد مناسب‌تر باشد، مسلماً با آگاهی بیشتری به شاخص‌ها پاسخ خواهند داد و از این رو، نتایج قابل اطمینان بیشتری هستند. از مجموع 315 نمونه مورد مطالعه، 184 نفر (58/4 درصد) مرد و 131 نفر (41/6 درصد) زن بوده است. از لحاظ سن، 82 نفر (26 درصد) پاسخ‌گویان بین رده سنی (24-35 سال)، 32 نفر (10/2 درصد) پاسخ‌گویان در رده سنی (36-45 سال)، 115 نفر (36/5 درصد) در رده سنی (46-55 سال)، 65 نفر (20/6 درصد) در رده سنی (56-65 سال) و 21 نفر (6/7 درصد) نیز در رده سنی (66 و بالاتر) سال بوده‌اند.

بررسی سطح تحصیلات پاسخ‌گویان نشان داد 83 نفر (26/3 درصد) بی‌سواد، 85 نفر (27 درصد) دارای تحصیلات ابتدائی و نهضت سوادآموزی، 70 نفر (22/2 درصد) دیپلم، 51 نفر (16/2 درصد) فوق‌دیپلم، 26 نفر (8/3 درصد) لیسانس و بالاتر بوده‌اند. به لحاظ وضعیت درآمد، بیش از 32 نفر (10/2 درصد) دارای درآمد ماهیانه بین (300-400 هزار تومان)، 85 نفر (27 درصد) دارای درآمد (400-500 هزار تومان)، 135 نفر (42/9 درصد) دارای درآمد (500-600 هزار تومان) و 63 نفر (20 درصد) نیز دارای درآمد ماهیانه بیش از 600 هزار تومان بوده‌اند. از نظر اشتغال، 60 نفر (19 درصد) در بخش کشاورزی، 113 نفر (35/9 درصد) در فعالیتهای صنعتی، 49 نفر (15/6 درصد) در امور خدماتی، 46 نفر (14/6 درصد) کارمند دولتی، 13 نفر (4/1 درصد) کارمند شرکت خصوصی و 34 نفر (10/8 درصد) نیز در سایر موارد مشغول به فعالیت هستند.

در جدول 2 وضعیت عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر متغیرهای اقتصادی در پایداری روستاها در منطقه مورد مطالعه نشان داده شده است. با توجه به میانگین ارائه شده و در نظر گرفتن سطح مورد آزمون 3 برای متغیرهای مورد بررسی، فقط متغیر برنامه‌ریزی و مبارزه با فقر با میانگین 3/14 بالاتر از 3 بوده است که این مورد وضعیت متوسطی را دارا است؛ این مورد نشان می‌دهد که نهادها و سازمان‌ها از نظر مردم در این زمینه نسبت به 30 سال گذشته توانسته‌اند تغییرات و تحولاتی مثبتی را به لحاظ برنامه‌ریزی و مبارزه با فقر به وجود آورد. البته این عملکرد در برخی موارد مانند ارائه تسهیلات در بخش کشاورزی، دامداری و خدمات مالی بوده که نسبت به قبل روند بهبود داشته است. همین موضوع سبب شده که مردم برنامه‌ریزی و مبارزه با فقر را مناسب بدانند. دیگر متغیرهای اقتصادی در حوزه عملکردی نهادها و سازمان‌ها از نظر مردم به طور کلی وضعیت مناسبی با توجه به مقتضیات زمانی نداشته است. برای نمونه، از نظر مردم بسته‌های حمایتی اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی، افزایش کارآیی افراد، توجه به تنوع سازی اشتغال (گردشگری و صنایع دستی) و ارائه تسهیلات مناسب بانکی از طریق نهادها و سازمان‌های مربوطه به روستاییان وجود نداشته یا اگر هم اقداماتی صورت گرفته است، دلیلی بر ماندگاری و پایداری روستاها نبوده و این اقدامات متناسب با وضعیت روستاها و افراد آن برنامه‌ریزی نشده است.

جدول شماره (2): وضعیت عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر اقتصادی در پایداری روستاها

مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
ارائه بسته‌های حمایتی اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی	1	5	2/41	1/08
برنامه‌ریزی و مبارزه با فقر اقتصادی	1	5	3/14	1/24
افزایش کارآیی افراد روستایی	1	5	2/47	1/20
ایجاد روحیه کارآفرینی و نوآوری شغلی	1	5	2/50	1/13
افزایش درآمد و توزیع عادلانه آن	1	5	2/10	1/08
توجه به ابعاد مختلف اشتغال‌زایی (گردشگری، صنایع دستی و...) و تنوع سازی	1	5	2/48	1/23
ایجاد و حمایت از کارگاه‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی مطابق با محیط روستاها	1	5	2/36	1/18
ایجاد روحیه خودکفایی در تولیدات	1	5	2/25	1/36
توجه به تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد	1	5	2/50	1/29
وضعیت تسهیلات بانکی به روستاییان جهت فعالیت‌های اقتصادی	1	5	2/28	1/12
کمک در حفظ کشاورزی و دامداری (حمایت، راهنمایی و...)	1	5	2/38	1/21
حفظ فعالیت‌های صنایع روستایی و بهبود آنها	1	5	2/58	1/22
ترغیب بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی به فعالیت تولیدی در روستاها و سرمایه‌گذاری	1	5	2/50	1/30
مجموع			2/50	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1393.

عملکرد متغیرهای اجتماعی و فرهنگی نهادها و سازمان‌ها نسبت به متغیرهای اقتصادی موارد بیشتری مشاهده می‌شود که دارای میانگین بالاتر از 3 بوده و در واقع شرایط مناسبی در این موارد نسبت به 30 سال گذشته به وجود آمده است. از جمله متغیرهایی که نهادها و سازمان‌ها بهتر تأثیرگذار بوده است، می‌توان به بهبود وضعیت بهداشتی-درمانی با میانگین 3/255، وضعیت آموزشی و تحصیلات با 3/65،

ارتقاء جایگاه زنان 3/66، تقویت حس مذهبی و دینی 3/16، تقویت آداب و رسوم محلی با 3/39 و احداث مراکز فرهنگی (مسجد و کتابخانه) با 3/36 اشاره نمود. هر چند این موارد نیز با توجه به حداقل و حداکثر تأثیرگذاری از 1 تا 15، چندان قوی نیست؛ چراکه در صورت استخراج میانگین به بیشتر از 4، بهتر می‌توان بر چگونگی عملکرد نهادها و سازمان‌ها ارائه نظر نمود. با این وجود، عملکرد نهادها و سازمان‌ها در این موارد متوسط بوده و دیگر متغیرها، که کمتر از 3 بوده، شرایط ضعیف‌تری را شامل می‌شود.

جدول شماره (3): وضعیت عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر اجتماعی-فرهنگی در پایداری روستاها

مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
وضعیت بهداشتی-درمانی	1	5	3/25	1/30
وضعیت آموزشی و تحصیلات	1	5	3/65	1/16
توانمندسازی روستاییان	1	5	2/75	1/18
تقویت مشارکت روستاییان	1	5	2/12	1/02
ارتقاء جایگاه زنان	1	5	3/66	1/27
اهمیت دادن به جایگاه مدیران محلی روستا	1	5	2/86	1/16
تقویت حس مذهبی و دینی	1	5	3/16	1/29
تقویت آداب و رسوم محلی	1	5	3/39	1/39
سلامت روانی و جسمی مردم روستایی	1	5	2/70	1/17
احداث مراکز فرهنگی (مسجد و کتابخانه)	1	5	3/36	1/31
ارتقاء جایگاه دانش بومی روستایی و ترکیب آن بادانش نو	1	5	2/38	0/99
ارتقاء سبک زندگی	1	5	2/69	1/17
توسعه شبکه‌های برق، گاز، تلفن	1	5	2/86	1/18
تثبیت جمعیت	1	5	2/34	1/26
فرهنگ‌سازی در راستای تعادل جمعیت خانوار	1	5	2/49	1/27
توسعه خدمات فناوری	1	5	2/54	1/32
مجموع			1/22	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1393.

در خصوص جنبه زیست‌محیطی عملکرد نهادها و سازمان‌ها 11 متغیر بررسی شده است که بر اساس یافته‌ها (جدول 4)، نهادها و سازمان‌ها در مواردی مانند وضعیت بهداشتی محیط‌های عمومی با میانگین 2/79، فضاهای سبز با 2/61، مدیریت مخاطرات محیطی با 2/77 و مدیریت مصارف مواد شیمیایی درزمینه‌های مختلف (کشت و زرع و دامداری) با میانگین 2/72 عملکرد ضعیفی داشته است. همچنین یافته‌ها گویای این است که عملکرد نهادها و سازمان‌های مربوطه در زمینه‌ی دیگر متغیرهای زیست‌محیطی مطالعه شده مانند جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب، وضعیت مدیریت پسماندها، مدیریت و حفاظت آب و خاک از نظر بهره‌وری و بهداشتی مناسب‌تر بوده و وضعیت متوسطی را برای این متغیرها می‌تواند متصور شد. میانگین کلی این متغیرها (3/13) حاکی از عملکرد نسبتاً مناسب و متوسط به بالا بوده است.

¹ منظور طیف موردنظر در تحقیق می‌باشد که طیف لیکرت (1 تا 5) است. عدد حد وسط در آزمون t تک نمونه‌ای، 3 در نظر گرفته شد که میانگین بیشتر از 3 نشانگر بهبود روند و عملکرد و کمتر از 3 نشانگر عملکرد نامناسب و ضعیف‌تر است.

جدول شماره (4): وضعیت عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر زیست‌محیطی در پایداری روستاها

مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
وضعیت بهداشتی محیط‌های عمومی	1	5	2/79	1/25
جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب	1	5	3/48	1/02
وضعیت مدیریت پسماندها	1	5	3/57	1/19
فضاهای سبز	1	5	2/61	1/17
مدیریت مخاطرات محیطی	1	5	2/77	1/31
مدیریت مصارف مواد شیمیایی درزمینه‌های مختلف (کشت و زرع، دامداری و...)	1	5	2/72	1/33
مدیریت و حفاظت آب‌و خاک از نظر بهره‌وری و بهداشتی	1	5	3/21	1/15
حفاظت از تنوع زیستی، منابع طبیعی و مراتع روستایی	1	5	3/26	1/28
کمک در راستای مقابله با خشک‌سالی و تأثیرات زیست‌محیطی آن	1	5	3/41	1/27
کاهش فشارهای زیست‌محیطی	1	5	3/30	1/17
استفاده از انرژی‌های پایدار و نو و سوخت‌های مناسب	1	5	3/30	0/99
مجموع			3/13	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1393.

در بررسی عملکرد کالبدی-فیزیکی نهادها و سازمان‌ها یافته‌ها نشان داد (جدول 5) در مواردی مانند بهبود معابر و جدول‌کشی با میانگین 3/27، وضعیت دسترسی و راه‌های ارتباطی با 3/21 و توجه به ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی و بهداشتی با میانگین 3/21 وضعیت متوسطی داشته است. دیگر موارد مورد بررسی از جمله مطابقت طرح‌ها اجرایی با محیط روستایی، ضوابط ساخت‌وساز (مسکن)، مدیریت کاربری اراضی و نحوه تعامل ارگان‌ها در ارتباط با اراضی روستایی دارای میانگین کمتر از 3 بوده که مبین این است عملکرد نهادها و سازمان‌ها در زمینه‌ی کالبدی-فیزیکی چندان مناسب و رضایت‌بخش نبوده است.

جدول شماره (5): وضعیت عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر کالبدی-فیزیکی در پایداری روستاها

مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مطابقت طرح‌ها اجرایی با محیط روستایی	1	5	2/27	1/15
ضوابط ساخت‌وساز (مسکن)	1	5	2/60	1/13
بهبود معابر، جدول‌کشی	1	5	3/27	1/19
مدیریت کاربری اراضی	1	5	2/66	1/25
نحوه تعامل ارگان‌ها در ارتباط با اراضی روستایی	1	5	2/51	1/20
وضعیت دسترسی و راه‌های ارتباطی	1	5	3/21	1/18
مصالح ساختمانی و معماری	1	5	2/85	1/19
حمایت‌های مالی درزمینه ترمیم یا ساخت مسکن	1	5	2/18	1/09
وضعیت شبکه‌های زیرساختی	1	5	2/66	1/13
توجه به ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و...	1	5	3/21	1/27
مجموع			2/74	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1393.

به‌منظور تحلیل استنباطی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط در پایداری روستاها در بعد اقتصادی، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرها که کمتر از سطح

0/05 بوده و تقریباً تمامی موارد در سطح معناداری 0/000 بوده است. از این رو، فرض صفر یعنی عملکرد نامناسب نهادها و سازمانها از نظر اقتصادی در پایداری روستاها رد و فرض تحقیق اثبات می‌شود. از طرف دیگر، بازده اطمینان تمامی متغیرها با توجه به اینکه عدد صفر را در بر نمی‌گیرد، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که عملکرد نهادها و سازمانها بر اساس متغیرهای اقتصادی در روند پایداری و ناپایداری روستاهای منطقه مؤثر بوده است؛ در واقع، نهادها و سازمانهای مربوطه در مواردی مانند ارائه بسته‌های حمایتی اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی، کارآیی افراد، ایجاد روحیه کارآفرینی، توجه به ابعاد و توانمندی‌های مختلف اشتغال‌زایی روستایی و بسترسازی جهت خودکفایی تأثیرگذار و نامناسب عمل کرده‌اند که این مجموعه عوامل سبب ناپایداری روستاها شده است؛ چراکه عملکرد نهادها و سازمانها مطابق با نیازهای اقتصادی روستاها نبوده است و در واقع نتوانسته‌اند بسترهای لازم جهت تثبیت جمعیت از جنبه‌های مختلف درآمدزایی، اشتغال‌زایی و متنوع‌سازی فعالیت‌ها برای جامعه روستاییان مورد توجه قرار دهند. هر چند در برخی متغیرهای اقتصادی، تأثیرات پایداری اعمال کرده‌اند. بنابراین بایستی بیان نمود که نهادها و سازمانها در ناپایداری روستاها از بعد اقتصادی تأثیرگذار بوده و عملکرد مناسبی در برخی موارد داشته‌اند.

جدول شماره (6): آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به عملکرد نهادها و سازمانها در پایداری روستاها از نظر اقتصادی

سطح معناداری (Sig)	بازده اطمینان		اختلاف میانگین	Test valu=3		مورد
	کران بالا	کران پایین		درجه آزادی (df)	آماره t	
0/000	0-/46	-0/70	-0/58	314	-9/59	ارائه بسته‌های حمایتی اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی
0/038	0/28	0/007	0/14	314	2/08	برنامه‌ریزی و مبارزه با فقر اقتصادی
0/000	-0/39	-0/66	-0/52	314	-7/75	افزایش کارآیی افراد روستایی
0/000	-0/37	-0/62	-0/49	314	-7/77	ایجاد روحیه کارآفرینی و نوآوری شغلی
0/000	-0/77	-1/01	-0/89	314	-14/6	افزایش درآمد و توزیع عادلانه آن
0/000	-0/38	-0/65	-0/51	314	-7/45	توجه به ابعاد مختلف اشتغال‌زایی و تنوع‌سازی
0/000	0-/50	-0/76	-0/63	314	-9/58	ایجاد و حمایت از کارگاه‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی مطابق با محیط روستاها
0/000	-0/59	-0/89	-0/74	314	-9/72	ایجاد روحیه خودکفایی در تولیدات
0/000	-0/35	-0/63	-0/49	314	-6/79	توجه به تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد
0/000	-0/59	-0/84	-0/71	314	-11/3	وضعیت تسهیلات بانکی به روستاییان جهت فعالیت‌های اقتصادی
0/000	-0/47	-0/74	-0/61	314	-8/93	کمک در حفظ کشاورزی و دامداری
0/000	-0/28	-0/55	-0/41	314	-6/04	حفظ فعالیت‌های صنایع روستایی و بهبود آن
0/000	-0/35	-0/64	-0/49	314	-6/79	ترغیب بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی به فعالیت تولیدی در روستاها و سرمایه‌گذاری

به‌منظور بررسی عملکرد نهادها و سازمانهای مرتبط در پایداری روستاها در بعد اجتماعی-فرهنگی، از آزمون T تک استفاده شده است. بر اساس نتایج متغیرهایی مانند وضعیت بهداشتی-درمانی، وضعیت آموزشی و تحصیلات، ارتقاء جایگاه زنان، اهمیت دادن به جایگاه مدیران محلی، تقویت حس مذهبی و دینی، احداث مراکز فرهنگی (مسجد و کتابخانه) دارای سطح معناداری کمتر از 0/05 است که نشانگر

این است عملکرد نهادها و سازمان‌های در ارتباط با این متغیرها مناسب و مفید بوده است. همچنین متغیرهایی از جمله توانمندسازی روستاییان، ارتقاء جایگاه دانش بومی روستایی و ترکیب آن با دانش نو، ارتقاء سبک زندگی، سلامت روانی و جسمی مردم روستایی، تثبیت جمعیت و فرهنگ‌سازی در راستای تعادل جمعیت خانوار با وجود اینکه دارای سطح معنی‌داری کمتر از 0/05 بوده است؛ با توجه به میانگین کمتر از 3 این موارد (جدول 3)، بایستی بیان کرد که عملکرد نهادها و سازمان‌ها در مورد این متغیرها وضعیت متوسط رو به پایین داشته است؛ در واقع عملکرد چندان مناسب نبوده است. در بین موارد بررسی شده، عملکرد نهادها و سازمان‌ها در ارتباط با متغیر تقویت مشارکت روستاییان نامناسب بوده است؛ چرا که دارای میانگین 2/12 و سطح معناداری 0/505 بوده که بیشتر از 0/05 است. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده بایستی این مطلب را بیان نمود که سازمان‌ها و نهادهای مربوطه به‌طور سیستمی و یکپارچه در ابعاد اجتماعی عمل نکرده‌اند و این عملکرد متناقض در موارد بررسی شده خود گویای این است؛ زیرا به‌عنوان نمونه در وضعیت بهداشتی و درمانی مطلوب عمل نموده‌اند، ولی در تقویت مشارکت یا توانمندسازی روستاییان چندان موفق نبوده و وابستگی روستایی را فراهم نموده‌اند.

جدول شماره (7): آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به عملکرد نهادها و سازمان‌ها در پایداری روستاها از نظر اجتماعی

سطح معناداری (Sig)	بازده اطمینان		اختلاف میانگین	Test valu=3		مورد
	کران بالا	کران پایین		درجه آزادی (df)	آماره t	
0/001	0/40	0/11	0/25	314	3/49	وضعیت بهداشتی-درمانی
0/000	0/78	0/52	0/65	314	9/97	وضعیت آموزشی و تحصیلات
0/000	-0/11	-0/37	-0/24	314	-3/61	توانمندسازی روستاییان
0/505	0/16	-0/08	0/04	314	0/66	مشارکت روستاییان
0/000	0/80	0/51	0/66	314	9/117	ارتقاء جایگاه زنان
0/049	-0/0005	-0/25	-0/13	314	-1/97	اهمیت دادن به جایگاه مدیران محلی روستا
0/024	0/30	0/02	0/16	314	2/26	تقویت حس مذهبی و دینی
0/065	0/54	0/23	0/39	314	4/96	تقویت آداب و رسوم محلی
0/000	-0/16	-0/42	-0/29	314	-4/50	سلامت روانی و جسمی مردم روستایی
0/000	0/50	0/21	0/36	314	4/86	احداث مراکز فرهنگی (مسجد، کتابخانه و...)
0/000	-0/50	-0/72	-0/61	314	-10/9	ارتقاء جایگاه دانش بومی روستایی و ترکیب آن با دانش نو
0/000	-0/17	-0/43	-0/30	314	-4/56	ارتقاء سبک زندگی
0/038	-0/007	-0/27	-0/13	314	-2/08	توسعه شبکه‌های برق، گاز، تلفن و...
0/000	-0/51	-0/79	-0/65	314	-9/12	تثبیت جمعیت
0/000	-0/36	-0/64	-0/50	314	-6/99	فرهنگ‌سازی در راستای تعادل جمعیت خانوار
0/000	-0/30	-0/59	-0/45	314	-6/02	توسعه خدمات فناوری

به‌منظور بررسی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط در پایداری روستاها در بعد زیست‌محیطی نیز همانند شاخص اقتصادی و اجتماعی عمل شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده تمامی متغیرها دارای سطح معناداری کمتر از 0/05 بوده است و نشانگر آن است که عملکرد مناسب نهادها و سازمان‌ها از نظر

زیست‌محیطی در پایداری روستاها بر اساس متغیرهای مورد بررسی مناسب بوده است. هر چند نهادها و سازمان‌ها در مواردی مانند وضعیت بهداشتی محیط‌های عمومی، فضاهای سبز، مدیریت مخاطرات محیطی و مدیریت مصارف مواد شیمیایی درزمینه‌های مختلف با توجه به میانگین پایین‌تر از 3، دارای عملکرد ضعیف‌تری بوده‌اند. به‌طور کلی، عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر مردم وضعیت متوسطی داشته است. بیشترین تأثیر نهادها و سازمان‌ها در تغییر دیدگاه مردم را می‌توان از نظر عملکرد دفع بهداشتی فاضلاب، مدیریت پسماندها، استفاده از انرژی‌های نو دانست.

جدول شماره (8): آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به عملکرد نهادها و سازمان‌ها در پایداری روستاها از نظر زیست‌محیطی

سطح معناداری (Sig)	بازده اطمینان		اختلاف میانگین	Test valu=3		مورد
	کران بالا	کران پایین		درجه آزادی (df)	آماره t	
0/004	-0/06	-0/34	-0/20	314	-2/87	وضعیت بهداشتی محیط‌های عمومی
0/000	0/60	0/37	0/48	314	8/42	جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب
0/000	0/70	0/44	0/57	314	8/56	وضعیت مدیریت پسماندها
0/000	-0/25	-0/51	-0/38	314	-5/80	فضاهای سبز
0/002	-0/08	-0/37	-0/22	314	-3/08	مدیریت مخاطرات محیطی
0/000	-0/12	-0/42	-0/27	314	-3/63	مدیریت مصارف مواد شیمیایی درزمینه‌های مختلف
0/001	0/34	0/08	0/21	314	/31	مدیریت و حفاظت آب‌وخاک از نظر بهره‌وری و بهداشتی
0/000	0/40	0/12	0/26	314	3/63	حفاظت از تنوع زیستی، منابع طبیعی و مراتع روستایی
0/000	0/55	0/27	0/41	314	5/80	کمک در راستای مقابله با خشکسالی و تأثیرات زیست‌محیطی آن
0/000	0/43	0/17	0/30	314	4/58	کاهش فشارهای زیست‌محیطی
0/000	0/41	0/19	0/30	314	5/49	استفاده از انرژی‌های پایدار و نو و سوخت‌های مناسب

به منظور بررسی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط در پایداری روستاها در بعد فیزیکی-کالبدی، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج و همچنین سطح معناداری به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرها کمتر از سطح 0/05 بوده، تمامی موارد تقریباً در سطح معناداری 0/000 است. از این رو، فرض صفر یعنی عملکرد نامناسب نهادها و سازمان‌ها از نظر فیزیکی-کالبدی در پایداری روستاها رد و فرض تحقیق اثبات می‌شود. از طرف دیگر، بازده اطمینان تمامی متغیرها با توجه به اینکه عدد صفر در برنمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که عملکرد ساختاری-کارکردی نهادها و سازمان‌ها بر اساس متغیرهای فیزیکی-کالبدی در پایداری و ناپایداری روستاهای منطقه مؤثر بوده است؛ نهادها و سازمان‌های مربوطه از نظر میزان تطابق و سازگاری طرح‌های اجرایی با محیط روستاها، مدیریت کاربری اراضی، نحوه تعامل ارگان‌ها در ارتباط با اراضی روستایی، مصالح ساختمانی و شبکه‌های زیرساختی موفق بوده‌اند و اقداماتی که انجام شده، بر اساس نظر مردم توانسته در پایداری روستاها مؤثر باشد؛ هر چند در برخی موارد و طرح‌ها کوتاهی مشاهده می‌شود؛ چراکه نیازهای مردم را تأمین ننموده‌اند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند به عدم مشارکت دادن مردم در جریان انواع

برنامه‌های کالبدی روستا دانست یا اینکه مطالعات مناسبی معمولاً صورت نگرفته است. بدین‌سان، اقدامات کالبدی-فیزیکی در تثبیت جمعیت و پایداری روستاها هر چند مؤثر بوده، ولی ضعف‌هایی نیز مشاهده می‌شود.

جدول شماره (9): آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به عملکرد نهادها و سازمان‌ها در پایداری روستاها از نظر کالبدی

سطح معناداری (Sig)	بازده اطمینان		Test valu=3			مورد
	کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	درجه آزادی (df)	آماره t	
0/004	-0/59	-0/85	-0/72	314	-11/2	مطابقت طرح‌ها اجرایی با محیط روستایی
0/000	-0/27	-0/52	0/39	314	-6/19	ضوابط ساخت‌وساز(مسکن)
0/000	0/40	0/14	0/27	314	4/09	بهبود معابر و جدول کشی
0/000	-0/19	-0/47	-0/33	314	-4/70	مدیریت کاربری اراضی
0/002	-0/35	-0/62	-0/48	314	-7/21	نحوه تعامل ارگان‌ها در ارتباط با اراضی روستایی
0/001	0/34	0/08	0/21	314	-3/23	وضعیت دسترسی و راه‌های ارتباطی
0/031	-0/01	-0/27	-0/14	314	-2/16	مصالح ساختمانی و معماری
0/000	-0/69	-0/93	-0/81	314	-13/2	حمایت‌های مالی در زمینه ترمیم یا ساخت مسکن
0/000	-0/20	-0/45	-0/33	314	-5/19	وضعیت شبکه‌های زیرساختی
0/002	0/36	0/07	0/21	314	3/05	توجه به ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و...

با ترکیب متغیرهای چهار شاخص، وضعیت کلی عملکرد نهادها و سازمان‌ها در پایداری روستاها مشخص می‌شود. بر اساس جدول زیر هر چهار شاخص یا توجه به فرض‌های مطرح‌شده در مطالب ذکرشده در بالاتر، دارای سطح معناداری کمتر از 0/05 بوده است. به‌طور خلاصه، عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر اقتصادی و کالبدی-فیزیکی، زیست‌محیطی و اجتماعی-فرهنگی در پایداری روستاها و توسعه منطقه‌ای مؤثر بوده‌اند و عملکرد آن‌ها از دیدگاه روستاییان رضایت‌بخش بوده است. در واقع، عملکرد سازمان‌ها در چهار بعد توسعه در روستاها هرچند مطلوب بوده، اما در برخی موارد ضعف‌هایی نیز وجود داشته است.

جدول شماره (10): نتایج ترکیبی متغیرهای چهار شاخص موردبررسی عملکرد نهادها و سازمان‌ها در پایداری روستاها

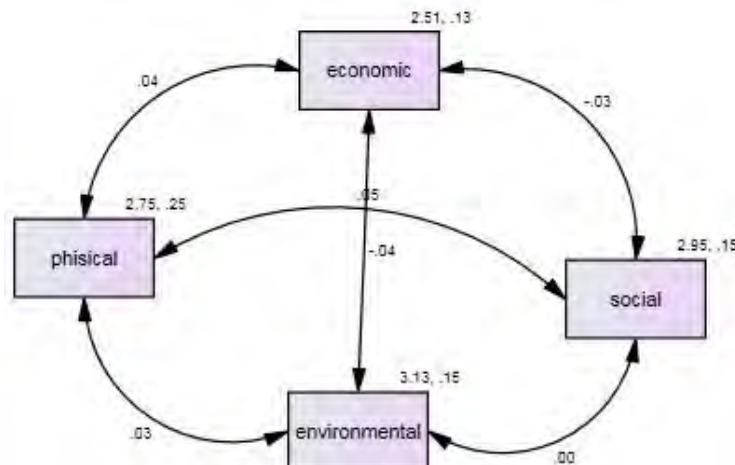
سطح معناداری (Sig)	بازده اطمینان		اختلاف میانگین	Test valu=3		میانگین	مورد
	کران بالا	کران پایین		درجه آزادی (df)	آماره t		
0/000	-0/45	-0/53	-0/49	314	-24/2	2/5	شاخص اقتصادی
0/025	-0/006	-0/09	-0/05	314	-2/2	3/0	شاخص اجتماعی- فرهنگی
0/000	0/17	0/09	0/13	314	6/2	3/1	شاخص زیست‌محیطی
0/000	-0/19	-0/30	-0/25	314	-8/9	2/7	شاخص کالبدی- فیزیکی

بررسی رابطه بین چهار شاخص بررسی شده از نظر میزان همبستگی در وضعیت عملکرد نهادها و سازمانها در پایداری روستاها به صورت کلی استفاده شده است. تحلیل ناپارامتری همبستگی نشان دهنده وجود رابطه مستقیم و معنی داری در سطح آلفای 0/01 میان شاخص اقتصادی با شاخصهای اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی-فیزیکی است. همچنین بین شاخص کالبدی-فیزیکی با شاخص اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی با بهبود عملکرد نهادها و سازمانها در هر کدام از شاخصهای توسعه، دیگر شاخصها هم بهبود پیدا می کند و زمینه پایداری را می توانند هموار سازند.

جدول شماره (11): ماتریس همبستگی شاخصهای چهارگانه عملکرد نهادها و سازمانها

شاخصها				اقتصادی	اجتماعی-فرهنگی	زیست محیطی	کالبدی-فیزیکی
				1	**0/209	**0/286	**0/249
اقتصادی	Correlation	0/000	0/000	.	0/000	0/000	0/000
	Sig	315	315	315	315	315	315
	N						
اجتماعی-فرهنگی	Correlation	**0/209	1	0/000	-0/007	0/000	0/000
	Sig	0/000	0/000	.	0/900	0/000	0/000
	N	315	315	315	315	315	315
زیست محیطی	Correlation	**0/286	-0/007	0/000	1	0/006	**0/153
	Sig	0/000	0/900	0/000	0/900	.	0/006
	N	315	315	315	315	315	315
کالبدی-فیزیکی	Correlation	**0/249	**0/262	0/000	**0/153	0/006	1
	Sig	0/000	0/000	0/000	0/006	0/006	0/000
	N	315	315	315	315	315	315

مدل ساختاری تحقیق به کمک نرم افزار AMOS حاکی از معنی داری بودن روابط بین شاخصهای چهارگانه است. به گونه ای عملکرد نهادها و سازمانها در هر یک از این شاخصها، دیگری را تحت تأثیر قرار می دهد و بین آنها رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، عملکرد مناسب در هر یک از شاخصها، به دیگر شاخصها ارتباط دارد (شکل 3).



شکل شماره (3): مدل ساختاری برآوردهای معناداری بین شاخص های تحقیق روابط معناداری: اقتصادی-اجتماعی: ($P < 0/03$)، اقتصادی-زیست محیطی: ($P < 0/04$)، اقتصادی-فیزیکی: ($P < 0/04$)، اجتماعی-زیست محیطی: ($P < 0/00$)، اجتماعی-فیزیکی: ($P < 0/05$)، زیست محیطی-فیزیکی: ($P < 0/03$)،

5) نتیجه گیری

روستاها بخش مهمی از توسعه یک کشور را بر عهده دارد که عوامل مختلفی در توسعه آنها مؤثر است. عملکرد مناسب نهادها و سازمان های مرتبط با نواحی روستایی یکی از این موارد است که نتیجه برنامه ریزی درست در این زمینه، توسعه یکپارچه و منطقه ای را به همراه خواهد داشت. هدف این پژوهش بررسی عملکرد نهادها و سازمان های مرتبط در پایداری روستاها در راستای توسعه منطقه ای به صورت مطالعه موردی در بخش دهدز شهرستان ایذه است. از نظر مردم، نهادها و سازمان ها در بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی، نسبت به 30 سال گذشته توانسته اند تغییرات و تحولاتی مثبتی را به لحاظ برنامه ریزی و مبارزه با فقر به وجود آورد. آنچه که در زمینه این تغییرات مهم جلوه می کند، بحث مقتضیات زمانی و عوامل تأثیرگذار در این ابعاد است. به عبارت دیگر، امکانات و عوامل موجود در هر دوره توانسته است که در عملکرد نهادها و سازمان های مربوط مؤثر عمل نماید. نکته مهم دیگر اینکه عملکرد نهادها و سازمان ها با توجه به دیدگاه منطقه ای، نیز مفید و تأثیرگذار بوده است، هر چند در برخی موارد نابرابری های فضایی در راستای ارائه خدمات و تسهیلات به مکان های روستایی وجود داشته است، اما به طور کلی نسبت به عملکرد آنها در این سطح نیز رضایت متوسطی وجود دارد.

هرچند عملکرد سازمان ها در چهار بعد توسعه در روستاها مطلوب بوده است، اما نمی توان از ضعف های موجود در این زمینه نیز چشم پوشی نمود. در واقع اگر نهادها و سازمان ها توانسته تغییرات و تحولاتی را در توسعه روستایی به وجود آورد، اما این نحو تأثیرگذاری به پایداری روستاها کمک ننموده است و روند ناپایداری آن همچنان ادامه دارد. به عبارت دیگر می توان بیان نمود که حتی با ورود و دخالت های بیش از اندازه نهادها و سازمان ها در مدیریت روستایی، این سکونتگاه های انسانی نه تنها روند پایدار به خود نگرفته است، بلکه تغییرات بسیاری را از جنبه های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی متقبل شده است.

یکی از عوامل تأثیرگذار در این زمینه عدم توجه به دیدگاه پایداری و تأکید بر نگاه تک محوری به توسعه روستاها توسط سازمان ها و نهادها بوده است. در واقع هر نهاد و سازمانی متناسب با وظایف خود به دخالت و مدیریت در روستاها پرداخته است، بدون اینکه دیگر ابعاد توسعه و عوامل تأثیرگذار در روستاها را مورد تأکید قرار دهد. این نگاه تک محوری سبب شده است که اگر چه هر نهاد به فراخور خود تغییراتی را به جود آورده است، اما این تغییرات به توسعه پایداری روستایی آنچنان که باید، کمک نکرده است. از این رو، عدم توجه به دیدگاه یکپارچه سازی اهداف توسعه و به طور واضح تر عدم توجه نهادها و سازمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی روستاها به طور یکپارچه با هم و سیستماتیک، شرایط کنونی را به وجود آورده است؛ شرایطی که روستاها دارای ثبات جمعیتی و پایداری منابع مکانی نیستند و به مرور زمان مشکلات و مشائلی مختلفی در روستاها مشاهده می شود.

بر این اساس، اگر چه این تحقیق از تأثیرگذاری نهادها و سازمان‌ها در بهبود روستاها اشاره دارد، اما این تأثیرگذاری به صورت متوسط بوده و در واقع متناسب با مقتضیات زمانی بوده و در بحث خدمات بیشتر خلاصه شده است، بدون اینکه به پایداری‌سازی روستاها کمک نماید. از این رو، بهتر آن است که دیدگاه مدیران و برنامه‌ریزان به یکپارچه‌سازی اهداف و دیدگاه سیستمی تأکید خاص نمایند و برنامه‌ریزی‌ها را در این چارچوب قرار دهند. با توجه به نتایج به دست آمده در راستای بهبود عملکرد نهادها و سازمان‌ها در منطقه مورد مطالعه و مناطق تعمیم‌پذیر دیگر، چند پیشنهاد ارائه شده است:

1- تأکید نهادها و سازمان‌ها بر توسعه و پایداری‌سازی روستاها از طریق توجه به تمامی متغیرهای ذکر شده در تحقیق به صورت یکپارچه و سیستماتیک. 2- تأکید بیشتر مسئولان و نهادهای مرتبط بر توسعه بخش اقتصاد روستایی با توجه به نتایج این تحقیق که در برخی موارد مانند درآمدها، اشتغال‌زایی، تنوع فعالیت‌ها و... ضعف‌هایی مشاهده می‌شود. 3- با توجه به وضعیت بهتر عملکرد نهادها و سازمان‌ها در بعد اجتماعی روستاها و همچنین ارتباط ناگسستنی بین ابعاد اقتصادی و اجتماعی، بهتر آن است که از ظرفیت موجود در متغیرهای اجتماعی در راستای بهبود و ارتقاء بخش اقتصادی استفاده شود. 4- با توجه به نتایج تحقیق این نکته قابل استنباط است که یکی از ضعف‌های موجود در زمینه پایداری روستاها، عدم تعامل مناسب ارگان‌ها در تمامی ابعاد توسعه روستایی است و هر نهاد یا سازمانی فقط به دنبال توسعه اهداف خود بوده، در حالی که این نگاه یک توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی را محقق نمی‌سازد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که تعامل افزایش یابد و در صورت امکان بهترین گزینه ایجاد سازمان توسعه روستایی است.

(6) منابع

- افراخته، حسن و محمد حجتی‌پور، (1392)، تحول نظام مالکیت اراضی روستایی؛ علل و پیامدها (مورد روستاهای تقاب و معصوم آباد در شهرستان خوسف)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال 2، شماره 3، صص 1-21.
- ایزدی، پرویز، (1385)، مردم‌شناسی سازمان‌ها، چاپ اول، سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران.
- بدری، علی، (1390)، چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی، فصلنامه ره نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره 3، صص 147-179.
- بنار، رحمت‌الله، (1384)، شورا، تقویت حضور مردم و تمرکززدایی، چاپ اول، انتشارات مهر برنا، تهران.
- بوذرجمهری، خدیجه و جوانی، خدیجه، (1393)، عملکرد تشکلهای غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعه پایدار روستاهای شهرستان تربت‌حیدریه، همایش ملی مباحث نوین در کشاورزی، اردیبهشت‌ماه 1393، برگزارکننده همایش سازمان نظام مهندسی کشاورزی استان تهران، تهران.
- جوان، جعفر، حمید شایان، محسن نوغانی و مریم قاسمی، (1389)، پایداری‌سازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد با تأکید بر رویکرد متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال 5، شماره 16، صص 125-144.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، حمدالله سجاسی قیداری، و جمشید عینالی، (1386)، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، سال 10، شماره 2، صص 31-1.
- سعیدی، عباس، (1389)، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستایی، چاپ اول، نشر مینو، تهران.
- سعیدی، عباس، (1386)، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ نهم، انتشارات سمت، تهران.
- طالب، مهدی و حسن بخشی زاده، (1388)، سازمان‌های متولی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، انتشارات پیوند مهر، تهران.
- عزیزپور، فرهاد و آرمین محسن زاده، (1388). الگوی مطلوب توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور با تأکید بر برنامه پنجم توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، مهر 1388، برگزارکننده همایش دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.
- علی‌الحسابی، مهران، (1390)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی، نمونه موردی: بندر لافت، مجله مسکن و محیط روستا، دوره 134، شماره 2، صص 48-35.
- علینی، محسن، (1379)، بررسی نقش محوری جهادسازندگی در توسعه کشاورزی و عمران روستایی، چاپ اول، نشر وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- قادرمرزی، حامد، (1394)، برنامه ریزی راهبردی توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان جوانرود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، 4 شال 4، شماره 1، صص 130-109.
- مرکز آمار ایران، (1390)، سرشماری نفوس و مسکن 1390، نشر مرکز آمار ایران، تهران.
- ملکان، احمد، (1390)، بررسی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر نقش شورا و دهیاری، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره 35، صص 11-7.
- مهندسین مشاور رویان، (1390)، مطالعه تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه اقتصادی روستاها، تجارب کشورها در زمینه رشد و توسعه اقتصادی روستا (جلد سوم)، نشر دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تهران.
- میردامادی، مهدی و نوید لقمانی و فاضل بیگی، (1388)، نقش و اهمیت سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در روند توسعه پایدار، اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، اردیبهشت 1388، برگزارکننده دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه.
- میکائیکی، جواد و حجت اله صادقی، (1391)، تعیین الگوی مراکز خدمات روستایی با رویکرد تناسب اراضی به روش AHP. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال 1، شماره 2، صص 67-49.
- Bohansen, Rasmus., (۲۰۰۶), **Study on the perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu Sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana).** Journal of Basic Studies of Social Science, Vol ۳, No ۲, pp. ۲۰-۳۲.
- Goodwin, Mark., (۲۰۰۰), **The governance of Rural Areas: some emerging research issues any agendas,** Journal of Rural Studies, Vol ۱۴, No ۱, pp. ۵-۱۲.
- Groninger, John and Ruffner, Charles and Walters, Alan., (۲۰۱۳), **Sustaining Rural Afghanistan under Limited Central Government Influence, Stability:** International Journal of Security and Development, Vol ۲, No ۲, pp. ۱-۹.
- Hensen, Henrik., (۲۰۰۲), **Agriculture subsidy schemes.** Journal of Encyclopedia of diary sciences. Vol ۴, No ۳, pp. ۷-۱۵.
- Kerr, Kenneth., (۲۰۰۱), **Repercussion de la reforme de securite sociale sur le monde rural seminaries degulf,** university degulf Publication, LONDON.

- Lewis, James., (۲۰۰۳), **Housing construction in earthquake prone places: Perspectives, priorities and projections for development**, The Australian Journal of Emergency Management, Vol. ۱۸, No ۲, Pp.۳۵-۴۴.
- Stanfield, David., (۱۹۷۸), **Notes on a base organization strategy for rural development, land tenure center, mt horeb**, Wisconsin University of Wisconsin madison, Wisconsin.
- Young, Cherly., (۲۰۰۷), **Housing Microfinance: Designing a Product for the Rural Poor**, Centre for Microfinance Working Paper Series, Vol. ۱۹ No ۳, pp. ۴۵-۵۷.

